



گروه فرهنگی: سیدجواد طباطبایی استاد فلسفه، تاریخ و سیاست ایران که نظریه ایران‌شهر او شهرت زیادی دارد و به همین دلیل به فیلسوف ایران‌شهر شهرت یافته، خود، این‌خبر را اعلام کرده و نوشته‌است:
لس‌آنجلس در گذشت.

توجه دریایی، ایران‌شناس و استاد دانشگاه با اشتراک گذاشتن عکسی از سیدجواد طباطبایی در بیمارستان در صفحه شخصی خود، این‌خبر را اعلام کرده و نوشته‌است:
دکتر سیدجواد طباطبایی امروز در

بیمارستان هوگ ارواین در کالیفرنیا دار فانی را وداع کردند. من از تمام کسانی که در این دوسال برای آقای دکتر طباطبایی بودند و از او پشتیبانی کردند، سیاست‌گزارم. سیدجواد طباطبایی متولد ۲۳ آذر سال ۱۳۲۴ تبریز بود. او پدر خود را که از بازاریان تبریز بود در سن ۸ سالگی از دست داد. در همان کودکی زبان فرانسه را زیر نظر کشیشی فرانسوی آموخت. هم‌زمان برای یادگیری فلسفه به حوزه علمیه تبریز رفت و زبان عربی را نیز همان جا آموخت. سپس برای یادگیری حقوق در مطّع کارشناسی



برگزاری دوباره کنسرت‌ها و بازگشت موسیقی به فضای جامعه آن هم در آستانه نوروز و بعد از مدتی تعطیلی، در ذات خود اتفاق خوشایندی تلقی می‌شود، اما نرخ بلیت‌هایی که سقف آنها حالا به ۷۰۰ هزار تومان در تهران رسیده است، این پرسش را به میان می‌آورد که انتهای این مسیر افزایش قیمت‌ها تا کجاست؟

به گزارش ایسنا، چراغ برگزاری کنسرت‌ها که قبل از جشنوار موسیقی فجر روشن شده بود، همچنان تا نوروز ۱۴۰۲ که امسال با ماه مبارک رمضان هم هم‌زمان شده، روشن

وزیر فرهنگ و ارشاد در خصوص فروش

موزه ملی سینما در بحث مولدسازی گفت: موزه ملی سینما از مفاخر فرهنگی کشور ما است و ما شب گذشته در آنجا مراسم تقدیر از عوامل جشنواره فجر و هیئت داوران را داشتیم و اهالی هنر هم تگران شدند. این خبر هیچ صحت ندارد و ان‌شاءالله در آنجا یک سال و نیم اخیر برای به روزآوری و رفع نواقص اقدامات مناسبی انجام دادیم. به گزارش خبرنگار ایلنا، مدیرمسئله اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد در حاشیه جلسه هیئت دولت، در جمع خبرنگاران گفت: جمعه گذشته آخرین جشنواره‌های هنری فجر که مربوط به هنرهای تجسمی بود برگزار شد. آنچه امسال داشتیم، شور، شوق، هیجان، حضور قوی مردم و هنرمندان در تهران، مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها بود. این جشنواره‌ها چند ویژگی داشت که یکی اینکه کاملاً مردمی بود جشنواره‌های فجر مهم‌ترین جشنواره‌های هنری در سرتاسر دنیا است که انقدر با حضور نزدیک مردم انجام می‌شود. عده‌های حضور در تهران و شهرستان‌ها

و با امکاناتی که در مراکز پژوهشی فرانسه،

آلمان، و آمریکا فراهم آمد، پژوهشی دربارهٔ تاریخ اندیشه در ایران را دنبال کرد. در سال ۱۳۷۶ موفق شد نشان نخل آکادمیک، عالی‌ترین نشان علمی فرانسه، و مدال نقره تحقیقات در علم سیاست را از دانشگاه کمبریج کسب کند. او مدتی نیز عضو هیئت علمی دانش‌المعارف بزرگ اسلامی بود. جواد طباطبایی در کنار افرادی همچون محمدعلی قره‌داغی، شیخ محمدآصف محسنی قندهاری و محمود ایوب موفق به کسب مقام برگزیده در جشنواره فارابی سال ۱۳۹۶ شد و از سوی رئیس‌جمهور لوح تقدیر دریافت کرد.

او از شارحان نظریه ایران‌شهری‌است که در آن کل نظام سیاسی ایران را در گذر تاریخ متأثر از فرهنگ ایران می‌داند. فرهنگی که نه متعلق به یک قوم خاص، بلکه ترکیبی از اقوام مختلف در مرزهای فرهنگی به نام ایران بوده‌است. او می‌گوید که «ایران‌شهر» مقوله‌ای در تاریخ‌نویسی ایران است و به هیچ وجه شعاری در پیکار سیاسی نیست. «ایران‌شهر» به عنوان مقوله‌ای برای تبیین تحولم تاریخی ایران به کار رفته که یکی از مقدمات تدوین تاریخ جامع ایران است، یعنی اینکه در نوشتن تاریخ ایران تلاومی در دوران قبل و بعد از اسلام در ایران وجود دارد، دوره‌ای که نام ایران، ایران‌شهر بوده‌است. طباطبایی نشان می‌دهد که می‌توان نظریه‌های سیاسی در دوران پس اسلامی در ایران را در ادامه خداینامه‌ها و بسیزالملوک‌های بازمانده از دوره ساسانی مورد بررسی قرار داد و تفسیر کرد.جواد طباطبایی زبان فارسی را یکی از قدیمی‌ترین و استوارترین زبان‌هایی می‌داند که تبدیل به زبان فرهنگی همه ایرانیان شده‌است. وی همچنین کوشش‌های ترک‌سالزانه را که از سوی ترکیه و پان‌ترکیست‌ها دنبال می‌شود خطری بزرگ برای ایران می‌داند. وی طی گفت‌وگو با نشریه مهرنامه در تابستان ۱۳۹۲، «سینای اندیشه‌های بازمانده از درآمیختگی نوعی فراموشی تاریخی با افسانه‌بافی‌های به ظاهر تاریخی می‌داند که بدل به ملغمه‌ای از بی سوادی و بی‌شعوری شده‌است.»

وی دربارهٔ زبان فارسی گفته بود: «فارسی، در هر سه مرحله دگرگونی تاریخی آن، زبان

در گذشت سیدجواد طباطبایی، فیلسوف ایران‌شهر

”مَنی“ ایرانیان بوده‌است، اما این زبان هرگز به زبان زبان‌های محلی دیگر به زبان ملی تبدیل نشده‌است، چنان‌که به عنوان مثال هم شاهنامه کردی داریم و هم حیدربایبه سلام شهریار. در ایران، در همه ادوار تاریخی آن، تنها یک زبان توانسته‌است به زبان علمی و فرهنگی معیار تبدیل شود، اما همه زبان‌های دیگر با توجه به توانایی‌هایی نه داشته‌اند نوعی از ادب ویژه خود را پدیدآورده‌اند. همهٔ این زبان‌ها و ادب آن‌ها صورت‌هایی از زبان‌ها و فرهنگ ایران بزرگ هستند و بدیهی‌است که باید در حفظ آن‌ها کوشید، اما نباید درسه‌ا آنها افسانه‌بافت و خیال‌پردازی کرد. فارسی جدید، زبانی که از چهارده سده پیش تنها زبان ملی کشور بوده‌است – مانند فارسی میانه و نیز دیگر زبان‌های باستانی ایران – از آغاز دوره اسلامی، تنها زبان علمی و معیار ایران بزرگ بوده‌است و تا اطلاع ثانوی همچنان هست. این زبان شالوده ملیّت و تشخّص همه ایرانیان نیز هست، یعنی اگر زبان فارسی نمی‌بود، ایران، مانند کشورهایی مانند هندوستان، پاکستان کنونی، آفریقا و … که زبان‌های عامهٔ مردم آن‌ها نتوانسته‌اند یک زبان معیار ملی ایجاد کنند، ناچار می‌بایست به یکی از زبان‌های معیار دیگر – که در دوره اسلامی عربی در صدر آن‌ها قرار داشت – سخن می‌گفت. از دیدگاه تاریخ زبان، ایران، به خلاف بسیاری از دیگر کشورها، تاریخ متمایزی دارد. زبان، فارسی، به عنوان زبان “ملّی” همه مردم ایران بزرگ، سابقه‌ای طولانی دارد. این زبان مهم‌ترین سند تداوم تاریخ و تاریخ فرهنگ ایران است. ایران تنها کشور مهمی‌است که مردم آن با حفظ زبان فارسی، به خلاف دیگر کشورهای بسیار دیگری که عرب شدند، ایرانی ماندند.»

او در جلد نخست کتاب تأملی درباره ایران نوشت: «ایران بزرگ فرهنگی، چنان‌که در نیم آان بر می‌آید، فرهنگی‌است و هیچ داعیهٔ سیاسی ندارد. این که تاریخ بخش بزرگی از ادب و فرهنگی که در ناحیه‌هایی از شبه‌جزیره هند، ترکیه، تاجیکستان، ازبکستان و … آفریده شده ایرانی‌است، امروزه، به لحاظ سیاسی اعتباری ندارد. سیاست خارجی همه این کشورها باید بر

اساس مناسبات حَسَن هم‌جواری، عُلقه‌های فرهنگی، منافع مشترک برابسر و رعایت منطبق منافع ملی کشورها باشد. اینکه ایران بزرگ، خاستگاه ادب و فرهنگی بوده که در بسیاری از کشورهای منطقه جاری‌است، به لحاظِ سیاسی، برای ایران سیاسی کنونی اعتباری به‌شمار نمی‌آید. در مناسبات فرهنگی وضع متفاوت است: نه تنها ابن‌سینا ازبک و مولانا ترک نیستند، بلکه بسیاری از نویسندگان اردو و ترک و ازبک نیز به ایران فرهنگی تعلق دارند، چنان‌که دیوان فضولی و شاهاسماعیل، به زغم ترکی بودن آنها، آثاری در ادب ایران هستند. تاریخ ایران جغرافیای سیاسی کنونی، تاریخ مرزهای سیاسی کنونی‌است، اما تاریخ ادب و فرهنگ ایرانی، ایران‌شهری‌است، یعنی تاریخ ایران بزرگ فرهنگی‌است. به هر حال، مرزهای سیاسی ایران آنهایی هستند که اینک هستند، اما



مرزهای فرهنگی ایران‌زمین آنهایی هستند که از آغاز بوده‌اند. آن‌که بخواهد مرزهای ایران سیاسی را برهم زند، به یکی از وجوه ماجراجویی ناسیونالیستی دست زده‌است، حتی اگر خود نداند، اما پاس داری از مرزهای فرهنگی و حتی گسترش آنها، مندرج در تحت وطن‌خواهی‌است.»

خط قرمز افزایش قیمت کنسرت‌ها کجاست؟

می‌کنند، شاید آن دسته از خوانندگانی که کارکنشته‌ و قدیمی‌تر هستند، خود را محق بدانند که با رقمی بالاتر به روی صحنه بروند که بدین ترتیب شاید فروش کنسرت‌هایی تا سقف یک میلیون تومان هم در آینده‌ای نزدیک چندان دور از ذهن نباشد.

در ادامهٔ مسروری خواهیم‌داشت بر کنسرت‌های خوانندگان مختلف که در

روزهای آتی به روی صحنه می‌روند:

سالن میلاذ نمایشگاه بین‌المللی:

علیرضا طلیسچی چهارشنبه ۱۰ اسفند در دو سانس ۱۹ و ۲۲، ناصر زینلی شنبه ۱۳ اسفند در دو سانس ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰، مسعود صادقلو یکشنبه ۱۴ اسفند در دو سانس ۱۹ و ۲۲، مجید رضوی دوشنبه ۱۵ اسفند، احمد سلو سه‌شنبه ۱۶ اسفند در دو سانس ۱۹ و ۲۲.

روبال‌هال هتل اسپیناس پالاس:

علی یاسینی جمعه ۱۲ اسفند در دو سانس ۱۹ و ۲۲، رضا صادقی دوشنبه ۱۵ اسفند و سیروان خسروی ۱۷ اسفند.

تالار وحدت:

گروه «لیان» در دو شب ۱۰ و ۱۱ اسفند ساعت ۲۱.

می‌شود. ممکن است بخشی از کاغذهای مازندران درجه بندی داشته باشد اما تقریباً کاغذ مازندران بهترین کیفیت را دارد و دوستانی که در کار نشر هستند معتقدند نسبت به برخی برنده‌های معتبر هرچند نقصی ممکن است داشته باشد اما در عین حال به طور متوسط از هم ترازان خود بالاتر نباشد کمتر نیست. حدود ۷۵ درصد کتاب درسی با این کاغذ قرارداد ببندند. ماهانه هزار تن در اختیار ناشرین قرار می‌دهیم. مشکل کارخانه زاگرس فارس هم هست که اگر نیمه اول سال آینده به چرخه تولید بازگردد، تقریباً همه مصارف داخلی را مرتفع خواهیم کرد و هم ان‌شاءالله به بحث منطقه هم فکر خواهیم کرد. وزیر ارشاد درباره گرانی کاغذ هم گفت: کاغذ آن نیازهای اصلی نشر، مطبوعات و کتاب را با حمایت ویژه دولت و آقای رئیس‌جمهور با همان نرخ ارز فروردین و اردیبهشت حمایتی آوردیم. الان این کاغذها در حال توزیع است البته ممکن است در بازار آزاد متاثر از قیمت‌های عمومی مختلف تفاوتی داشته باشد.



نکته دیگر اینکه در تغییرات جدید امکانی فراهم شده تا خبرنگاران بتوانند حوزه‌های فعالیت حرفه‌ای خود را در سامانه ثبت نمایند.
در این زمینه تلاش شده همه شاخه‌ها و زیرشاخه‌های متعارف به عنوان موضوعات کاری قابلیت انتخاب داشته باشند.
گفتنی است، سامانه فعلی از چهارشنبه (۱۰ اسفند ماه) غیرفعال می‌شود و پس از چند روز با تغییرات جدید در دسترس قرار خواهد گرفت.

فرهنگی

تکه

به یاد زهره فکورصبور و مرگ ناگهانی اش



سال گذشته در چنین

روزی خبر درگذشت زهره

فکورصبور در سن ۴۳

سالگی اعلام شد. خبر،

دردناک و ناگهانی بود و

بسیاری از هنرمندان سینما

و تلویزیون و همچنین

علاقمندان به سرریال‌های

تلویزیونی را در شوک و سپس سوگ

عمیقی فرو برد. به گزارش ایسنا، در

نخستین ساعات صبح یازدهم اسفند ماه، پس از اعلام خبر درگذشت زهره

فکورصبور، هنوز علت مرگ اعلام نشده بود؛ فقط یک منبع آگاه گفته بود که

این بازیگر ساعت هشت شب به بیمارستان منتقل شده و در نهایت پزشکان

موفق به نجات وی نشده‌اند.

حضور جدی فکورصبور در تلویزیون به سرریال «روزگار جوانی» و سال ۱۳۷۷ برمی‌گشت؛ مجموعه‌ای به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اصغر توسلی که در آن زمان بازیگران جوان بسیاری را به دنیای تصویر معرفی کرد.

توسلی که پس از مرگ زهره فکورصبور در گفت‌وگویی با ایسنا شرکت کرد، دربارهٔ خطرات حضور این بازیگر در سرریال «روزگار جوانی» گفته بود، در فصل اول سرریال «روزگار جوانی»، برای ایفای نقش یک کاراکتر خانم (محترم و متمول) تست می‌گرفتیم که ایشان مراجعه کردند و در این مجموعه قرار بود یکی دو قسمت حضور داشته باشند اما به قدری متین، مهربان و آرام بودند و کارشان را بسیار خوب می‌آموختند و آنقدر راحت و خوب و درست آنچه که از ایشان خواسته می‌شد را مقابل دوربین ارائه می‌دادند که یادم است چند تست دیگر هم نقششان را به کار اضافه کردیم. فکور صبور در سرریال‌های متعددی از کارگردانانی چون قاسم جعفری و سیروس مقدم ایفای نقش کرد.

«مسافری از هند»، «کمکم کن» و «از نفس افتاده» از ساخته‌های قاسم جعفری و «ریحانه»، «ترگس» و «پایتخت ۳» به کارگردانی سیروس مقدم، قاسم جعفری پس از این انتقال، از زهره فکور صبور به عنوان بازیگری بی‌حاشیه، همراه و مهربان یاد کرد که غریب بود و غریبانه هم رفت. او پس از رفتن همیشگی این بازیگر، چنین نوشت: کاش می‌دانستم چرا سکاس آخر دختر بر جنب و جوش سرریال‌هایم این چنین تلخ و غیرمنظره تمام شد.

فکورصبور در سال‌های ۹۴ و ۹۵ در دو سرریال «دسرهای عظیم» برزو

نیک‌نژاد بازی کرد و سپس در مجموعه «پنچری» از این کارگردان مقابل

دوربین رفت.

صوفور کرد

تهیه‌کنندگی مه‌ران مهام مشغول ایفای نقش بود که زندگی‌اش خاتمه یافت

و در حقیقت این نقش نیمه‌کاره ماند. بعدها کمند امیرسلیمانی ایفای این

نقش را بر عهده گرفت.

او با پذیرش این نقش فقط می‌خواست کار نیمه‌تمام مرحومه فکورصبور را

در این دنیا به پایان برساند و قبول این کار، بیشتر برایش حکم انجام یک

مسئولیت را داشت تا بازیگری.

زهره فکورصبور ساعتی قبل از درگذشت، ویدئویی پرش‌برانگیز از حضور

در یک برنامه تلویزیونی را منتشر کرد که در آن گفته بود اگر به گذشته

برگردد، اصلاً بازیگری را انتخاب نمی‌کند. بسیاری این فیلم را پاسخی به

دلایل مرگ ناگهانی او دانستند.

در این ویدئو فکورصبور در پاسخ به پرسش مجری برنامه که از او درباره

برگشتن به گذشته و انتخاب مجدد بازیگری، پرسیده بود، اظهار کرده بود:

«اگر به گذشته برگردم اصلاً بازیگر نمی‌شوم.

خدا را شکر اتفاقات خوبی هم برآیم افتاد. اما از بچگی دنبال زندگی آرام و

بی‌دغدغه بودم.» وی گفته بود: «اگر هم روزی بچهدار شوم هیچ‌وقت اجازه

نمی‌دهم وارد این حرفه شود و ترجیح می‌دهم زندگی عادی داشته باشد.»

او در زمان زنده بودن، مرگش را با این جملات توصیف کرد: «دوست دارم

وقتی که می‌میرم در اوج باشم، در اوج تکامل انسانی و معنوی. دوست ندارم

وقتی که می‌میرم بعضی آدم‌ها از من ناراحتی به دل گرفته باشند. نوع مردن

مهم نیست، فقط دلم نمی‌خواهد زیاد درد بکشم.»

«این روزها و سال‌ها، دیدم نسبت به گذشته‌ها به مرگ خیلی عوض شده،

قبل‌ترها می‌ترسیدم.

اما الان مرگ را پایان زندگی نمی‌بینم، به نظرم انسان با مرگ کامل

می‌شود.»

«روی سنگ قبرم برای کسی که دوستش دارم می‌نویسم: دلم برایت تنگ

می‌شود. به امید دیدار.» زهره فکور صبور بازیگری که ترسیده به ایستگاه

۴۴ سالگی، قطار زندگی‌اش متوقف شد، تنها ۲۰ روز تا سالاروز تولدش

فاصله داشت. وی خانگیسپاری پیکر این بازیگر، جمع زیادی از هنرمندان و

علاقمندان به وی حضور داشتند.

پیکرش در میان بی‌تالی مادر و دیگر اعضای خانواده در قطعه هنرمندان به

خاک سپرده شد و این پایان بازیگری بود به اسم زهره فکورصبور که همانند

نماش صبور بود و آرام.